

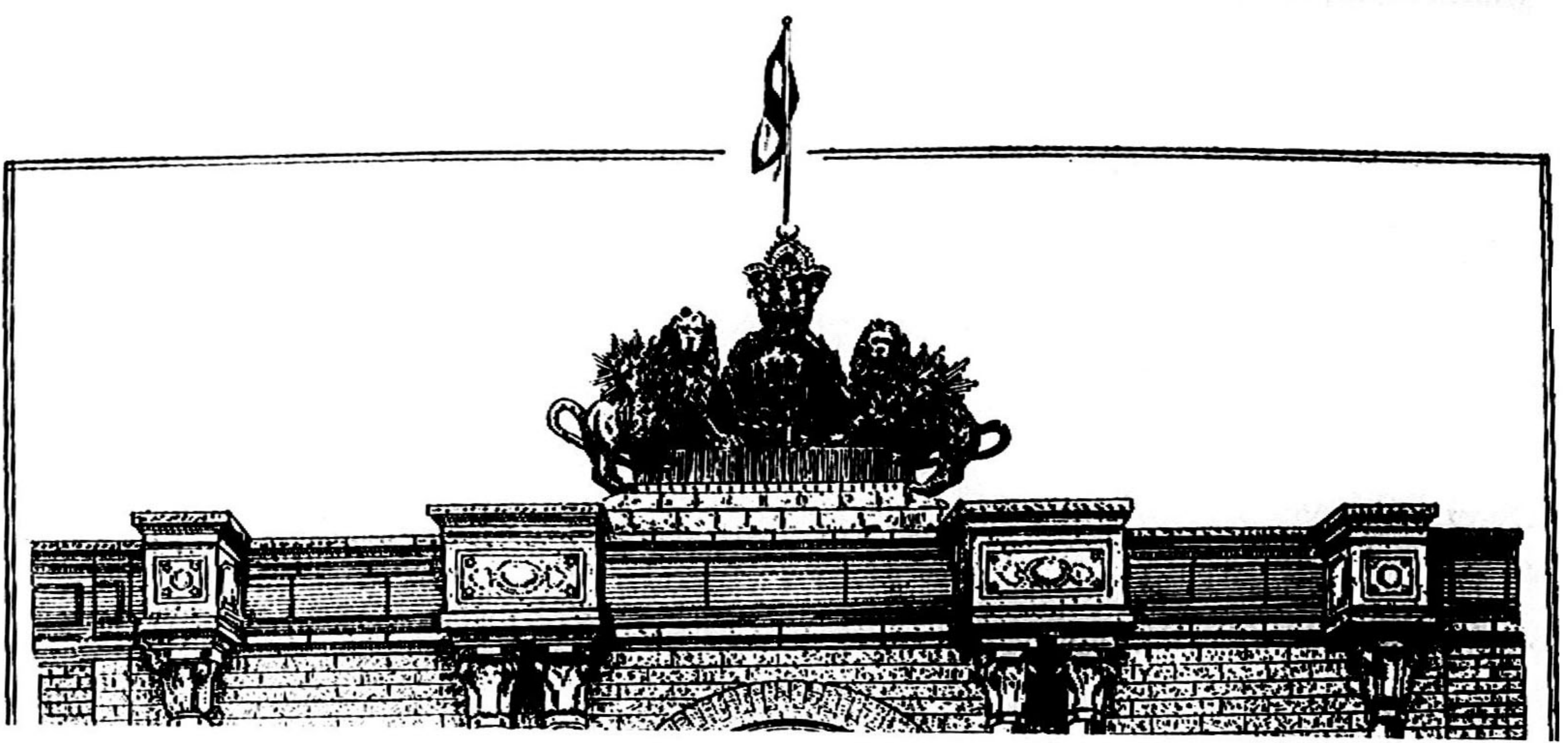
|   |   |   |
|---|---|---|
| <p>جلسه<br/>۱۰۳</p>   | <h1>مذاکرات مجلس</h1>   | <p>شماره<br/>شصت و هشتم</p>   |
| <p>تاریخ تأسیس آذر<br/>۱۳۰۵<br/>جلسه شنبه ۲۲<br/>اردیبهشت ماه ۱۳۰۶<br/>مطابق ۱۲ ذی قعدة الحراء<br/>۱۳۴۵</p> | <p>مندرجات<br/>فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی<br/>خواهد بود<br/>پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.<br/>مطبعة مجلس</p> | <p>قیمه اشتراك<br/>داخله ایران سالانه ده تومان<br/>خارجہ « دوازده تومان<br/>قیمه تک شماره<br/>يك قران</p> |



# فهرست مندرجات

|          | از صفحه | عنوان  |   |
|----------|---------|--|---|
| الی صفحه |         |  |   |
|          |         | اظهارات آقای حاج آقا رضا رفیع راجع به تعدیات مأمورین نسبت بصاحبان جنگل و تقدیم ماده واحده راجع به بلا اثر گذاردن تصویب نامه صادره در این موضوع | ۱ |
| ۱۳۷۱     | ۱۳۶۹    |  |   |
|          |         | شور اول نسبت به خبر کمیسیون معارف راجع به ورزش اجباری در مدارس   | ۲ |
| ۱۳۷۳     | ۱۳۷۱    |  |   |
|          |         | مذاکره در فوریت طرح تقدیمی آقای حاج آقا رضا رفیع راجع به بلا اثر گذاردن تصویب نامه صادره در موضوع جنگل و ارجاع آن به کمیسیون فوائد عامه        | ۳ |
| ۱۳۸۲     | ۱۳۷۳    |  |   |
|          |         | بقیه شور اول نسبت به لایحه ورزش اجباری در مدارس  | ۴ |
| ۱۳۸۷     | ۱۳۸۲    |  |   |





## تذکر و اطلاع

نظر بمذلول ماده اول قانون اجازه طبع صورت مشروح مذاکرات جلسات عالی مجلس مصوب ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ شمسی که مذاکرات قبل از دستور را اجازه طبع نمیدهد چون در جلسه ۱۰۲ مورخه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۰۶ کلیه مذاکرات مربوط بمسائل قبل از دستور بوده است لذا از طبع آن صرف نظر شده و پس از طبع صورت مذاکرات جلسه ۱۰۱ بلافاصله بدرج صورت مذاکرات جلسه ۱۰۳ اقدام شده است.

## دوره ششم تقنینیه

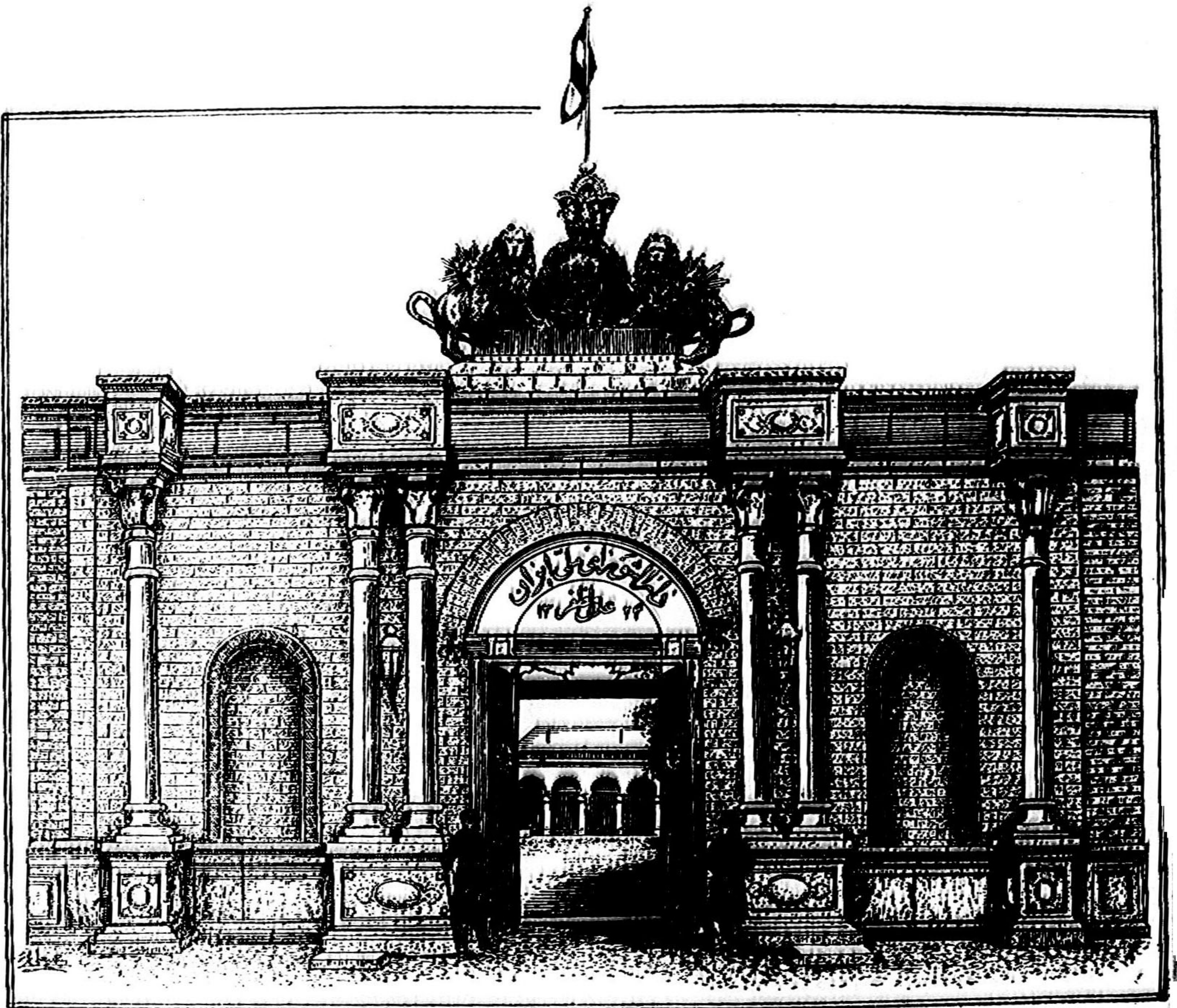
صورت مشروح مجلس شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۲ ذیقعده ۱۳۴۵

### جلسه ۱۰۳

( مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای  
پیرنیا تشکیل گردید )  
( صورت مجلس پنجشنبه بیست و یکم اردیبهشت را  
آقای بنی سلیمان قرائت نمودند )

غائبین با اجازه  
آقایان : میرزا حسینخان موقر - نظام مافی - سید  
ابراهیم ضیاء - محمد آخوند - عطاء الله خان پالیزی -  
حشمتی - نوبخت - میرزا محمد تقی بهار





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۲ ذیقعده ۱۳۴۵

### جلسه ۱۰۳

( مجلس سه ساعت قبل از ظهر ریاست آقای  
پیرنیا تشکیل گردید )  
( صورت مجلس پنجشنبه بدست ویکم اردیبهشت را  
آقای بنی سلیمان قرائت نمودند )

غائبین با اجازه  
آقایان : میرزا حسینخان موقر - نظام مافی - سید  
ابراهیم ضیاء - محمد آخوند - عطاء الله خان پالیزی -  
حشمتی - نوبخت - میرزا محمد تقی بهار



غائبین بی اجازه جلسه قبل  
آقایان: علیخان اعظمی - آقا سید حسن مدرس -  
حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک  
در آمده با اجازه جلسه قبل

آقای بهبهانی

در آمده کان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: امیر حسینخان ابلخان - مرتضی قلیخان  
بیات - دشتی - شریعت زاده - میرزا ابراهیم خان قوام  
مهدوی - میرزا حسن خان وثوق

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - در دستور عرض دارم

رئیس - صورت مجلس مخالفی دارد یا نه؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای حاج آقا رضا رفیع  
رفیع - آقایان که در دوره پنجم سمت وکالت داشتند اطلاع  
دارند که راجع به جنگل بنده چندین مرتبه در مجلس اظهاراتی  
کردم. در ۱۳۰۴ یک تصویبنامه صادر شد در موضوع  
جنگل که بکلی مخالف بود با قانون اساسی اساساً مالکیت  
را از مردم سلب میکرد. دولت وقت یک صفرائی و  
کبرائی چید و یک نتیجه گرفت پیش خودش. آمد و  
گفت هر جا مشجر است جنگل است و هر چه جنگل  
است مال دولت است حد وسط را هم انداخت و گفت  
هر جا مشجر است مال دولت است بنده هم در صفری  
حرف دارم و هم در کبری. اولاً هر جا مشجر است  
جنگل نیست. باغچه ها هم مشجر است. تمام اراضی  
مشجر است. همه گیلان مشجر است. یک وقت هم  
نماینده محترم اظهاری کردند حقیقتاً بنده از دیوار حمام  
انجیر چیدم از ساروج درخت انجیر در آمده بود که  
بنده انجیر چیدم و خوردم در گیلان هر کس رفته است  
میداند و صفش را. هر درختی را هم که آنجا میبرند  
اصلاً پنج شش دیگر بهل و بیش اضافه میشود.  
بفاصله چند سال اگر هم نبرند خودش میرزد خاک میشود  
خلاصه اینکه یک تصویبنامه صادر کردند که بنده

دو سه ماده اش را قرائت میکنم برای اطلاع خاطر آقایان  
بعد حکمیت با آقایان است. ماده اولش این است: نظر  
باینکه جنگل یکی از ثروتهای ملی بوده و بنا بر این باید در  
تحت اداره دولت باشد کلیه جنگلهای متعلق بدولت است.  
بکنفر از نمایندگان - چایی است؟

رفیع - بله چایی است. مگر اینکه تعلق آنها بملکین  
خصوصی بر حسب اسناد و مدارک معتبره ثابت شده باشد  
بهین عنوان دست گذاشته شد روی تمام اشجار و همینطور  
مردم باقیچه های سندشان میدوند در وزارت مالیه و آقایان هم که  
رتیب مالیه را میداند بالاخره تمام اشجار در تصرف دولت است.  
کازرون - پس مالک و متصرف چیست؟! از متصرف  
سند میخواهند؟ عجب!!

رفیع - بله سند میخواهند. در ماده پنج مینویسد:  
قطع اشجار صنعتی برای استعمال در داخله در جنگلهای  
اربابی بدون اجازه مخصوص وزارت فوائد عامه ممنوع  
است - در جنگل اربابی اگر ارباب درخت خودش را  
بخواهد ببیند از دست رود به وزارت فوائد عامه عرضه عرض  
کنند اگر اجازه داد آنوقت اینکار را بکنند و الا جریمه میکنند...  
دادگر - این زمینهاست برای اینکه بدیگران انحصار بدهند.

رفیع - ماده شش میگوید: قطع اشجار غیر صنعتی  
برای احتیاجات داخله در جنگلهای اربابی محتاج با اجازه  
مخصوص نبوده اما (یک اما دارد) اما قبلاً صاحب  
آنها باید مراتب را بوزارت فوائد عامه اطلاع دهد.  
اگر صاحبان جنگلهای اربابی بطوری جنگلهای خود را  
قطع نمایند که باعث از بین رفتن جنگل شود یا قبلاً  
مراتب را اطلاع نداده باشند جریمه خواهند شد. قیمت  
در یافت خواهد شد - خلاصه در موقعی که همین آقای  
داور وزیر فوائد عامه بودند بنده مذاکره کردم  
تصویبنامه دیگری صادر شد که سه ماه مهلت داده شد  
در موقعی که آقای مخبر السلطنه در این کابینه که تشکیل  
شد بودند با ایشان مذاکره کردم که آقا این خلاف  
قانون اساسی است. اصل هفتم قانون اساسی اساساً حق  
نمیدهد بدولت که در املاک مردم بتواند دخالت کند

قانون بالاخره حکومت دارد. تا ما این دو نابلو ار  
دو طرف مجلس گذاشته ایم و مقسم ما قرآن است در  
این مجلس ما نمیتوانیم بر خلاف قرآن رفتار کنیم و  
بالاخره این تصویب نامه در موقع عمل معایب  
زیاد دارد. افراد مردم را بزحمت انداخته و پارسال  
گذشته در دهات آنجا در بیابان یازده طفل زیر  
باران و آفتاب مردند برای اینکه میخواست اشجار  
خودش را ببرد و سایه بان درست کند مأمور جنگل  
نمیگذاشت. یک عریضه بنده بوزارت فوائد عامه عرض  
کرده ام (اینها را مقدمه عرض میکنم برای اینکه بدانید  
گرفتم تا چه اندازه است که مجبور شدم این را تقدیم  
بکنم) نوشتم بوزارت فوائد عامه: چون تصویب نامه  
صادر در کابینه اسبق راجع به جنگل های شمال اسباب  
زحمت ایرانیها و بملاحظه اینکه صریحاً بر خلاف ماده  
۱۷ قانون اساسی است الغاء آنرا جداً خواستارم برای  
مزید اطلاعات آن وزارتخانه بعرض میرساند که صفحه  
گیلان و مازندران بر خلاف عراق است کلیه قراء  
و بلوکات دارای خرابه ایست که عموماً مشجر و یک  
اصله درخت صنعتی در میان آنها وجود ندارد. در این  
خرابه ها درخت های خود رو از قبیل نوسه، راش،  
اربا، پلغ و لیک و غیره است. ساختن خانه های رعیتی  
از پایه و دیوار اطراف با چوب ساخته میشود بعد بنای  
خلخال می آید و گل میزند. رعیت در همچو جائی  
سکنا میکند. اگر در املاک آبادی خرابه نداشته باشد  
آن املاک لم بزرع می ماند تمام سوخت و خانه  
سازی و تلبیس برای ابریشم و کاندوج و کروج  
و برچین باید از همین درخت های غیر صنعتی ساخته  
شود. علاوه خانه های شهر باید با همین گونه چوب  
ساخته شود آره کش به ده میرود و چوب های مخصوص  
اره کشی میکنند و بشهر می آورند و میفروشند که با این  
قدغن دولت من غیر مستقیم یک کمی بچوب های خارجه  
میشود مردم برای حوائج خود چوب های خارجی را  
خریداری میکنند. دولت در این املاک یک جریب ملک

ندارد و اما درخت های صنعتی در جنگل وجود ندارد این  
درخت مخصوص باغات و خیابانها است درخت مازو و  
شمشاد در جنگل های معین است که مالک خصوصی دارد  
درخت های صنعتی در دامنه کوه های خاکی بعمل می آید.  
این هم یک رشته معین است. از نقل بر و سیاه رود،  
اشکلک، امامزاده هاشم و گل برک، دره پشت، دهنه  
سیاه کلانندان، نخل بیوندان، لاکان، اسکده، نارنج  
گل، چتلان، اسکده سالکی سار، سیلکر، میرسد به  
طالش. این دهات تمام مالکین یکصد ساله و دویست  
ساله دارد. مازو و شمشاد دارد. وقتی یک درخت مازو  
را قطع می کنند بواسطه رطوبت هوا هر یک بونه  
ده شاخه، کمتر از پنج شاخه نمیزند. مصرف چوب های  
شهر همین است که اشتر میگوئیم - رونار خال که  
نازکتر است از همین جنس است. این صحبت جنگل  
بانی جز خرج برای دولت و ملت چیزی نیست. مردم  
از داخله به خارجه جنس حمل میکنند که پول وارد  
کنند. حالا میل ندارید به خارجه بفرستید مختارید.  
دیگر مانع مردم در تصرف املاک خود چه صورت  
دارد؟ خواهشمندم تصویب نامه صادر شود که تصویب نامه  
گذشته را لغو و قطع اشجار غیر صنعتی را مجاز و اشجار  
صنعتی را اگر میل دارید یک قدغن بکنید - هر چه  
ما در این دو سه ساله گفتیم ابدأ داد مان به جائی  
نرسید بالاخره در چنددی قبل یک تصویب نامه صادر  
میشود که آن تصویب نامه نمره فلان را دو ماه مهلت  
می دهد ولی اصل موضوع از بین نمیرود. بنده گرفتارم  
ببچاره شدم، خود میدانم تصویب نامه قانونیت ندارد  
اما من گرفتارم، مردم گیلان و مازندران گرفتارند،  
یک صفحه از نقاط آذربایجان گرفتارند، بالاخره استرآباد  
گرفتار است. به این جهت بالاخره مجبور شدم به اعضای  
قریب هفتاد و هفت هشت نفر از آقایان محترم (باقی را  
زیارت نکردم گمان میکنم همه آقایان موافقت فرمایند)  
ماده واحده برای تقدیم مجلس شورای ملی بقید دو فوریت



غائبین بی اجازه جلسه قبل  
آقایان: علیخان اعظمی - آقا سید حسن مدرس -  
حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک  
در آمده با اجازه جلسه قبل

آقای بهبهانی

در آمده کان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: امیر حسینخان ابلخان - مرتضی قلیخان  
بیات - دشتی - شریعت زاده - میرزا ابراهیم خان قوام  
مهدوی - میرزا حسن خان وثوق  
رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - در دستور عرض دارم

رئیس - صورت مجلس مخالفی دارد یا نه؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای حاج آقا رضا رفیع  
رفیع - آقایان که در دوره پنجم سمت وکالت داشتند اطلاع  
دارند که راجع به جنگل بنده چندین مرتبه در مجلس اظهاراتی  
کردم. در ۱۳۰۴ یک تصویبنامه صادر شد در موضوع  
جنگل که بکلی مخالف بود با قانون اساسی اساساً مالکیت  
را از مردم سلب میکرد. دولت وقت یک صفرائی و  
کبرائی چید و یک نتیجه گرفت پیش خودش. آمد و  
گفت هر جا مشجر است جنگل است و هر چه جنگل  
است مال دولت است حد وسط را هم انداخت و گفت  
هر جا مشجر است مال دولت است بنده هم در صفری  
حرف دارم و هم در کبری. اولاً هر جا مشجر است  
جنگل نیست. باغچه ها هم مشجر است. تمام اراضی  
مشجر است. همه گیلان مشجر است. یک وقت هم  
نماینده محترم اظهاری کردند حقیقه بنده از دیوار حمام  
انجیر چیدم از ساروج درخت انجیر در آمده بود که  
بنده انجیر چیدم و خوردم در گیلان هر کس رفته است  
میداند و صفش را. هر درختی را هم که آنجا میبرند  
اصلاً پنج شش دیگر بهل و بیش اضافه میشود.  
بفاصله چند سال اگر هم نبرند خودش میرزد خاک میشود  
خلاصه اینکه یک تصویبنامه صادر کردند که بنده

دو سه ماده اش را قرائت میکنم برای اطلاع خاطر آقایان  
بعد حکمیت با آقایان است. ماده اولش این است: نظر  
باینکه جنگل یکی از ثروتهای ملی بوده و بنا بر این باید در  
تحت اداره دولت باشد کلیه جنگلهای متعلق بدولت است.  
یک نفر از نمایندگان - چایی است؟

رفیع - بله چایی است. مگر اینکه تعلق آنها بملکین  
خصوصی بر حسب اسناد و مدارک معتبره ثابت شده باشد  
بهین عنوان دست گذاشته شد روی تمام اشجار و همینطور  
مردم باقیچه های سندنشان میدوند در روزنامه و آقایان هم که  
رتیب مالیه را میداند بالاخره تمام اشجار در تصرف دولت است.  
کازرونی - پس مالک و متصرف چیست؟! از متصرف  
سند میخواهند؟ عجب!!

رفیع - بلی سند میخواهند. در ماده پنج مینویسد:  
قطع اشجار صنعتی برای استعمال در داخله در جنگلهای  
اربابی بدون اجازه مخصوص وزارت فوائد عامه ممنوع  
است - در جنگل اربابی اگر ارباب درخت خودش را  
بخواهد ببیند از دست وزارت فوائد عامه عریضه عرض  
کند اگر اجازه داد آنوقت اینکار را بکنند و الا جریمه میکنند.  
دادگر - این زمینه است برای اینکه بدبگران انحصار بدهند.

رفیع - ماده شش میگوید: قطع اشجار غیر صنعتی  
برای احتیاجات داخله در جنگلهای اربابی محتاج با اجازه  
مخصوص نبوده اما (یک اما دارد) اما قبلاً صاحب  
آنها باید مراتب را بوزارت فوائد عامه اطلاع دهد.  
اگر صاحبان جنگلهای اربابی بطوری جنگلهای خود را  
قطع نمایند که باعث از بین رفتن جنگل شود یا قبلاً  
مراتب را اطلاع نداده باشند جریمه خواهند شد. قیمت  
در یافت خواهد شد - خلاصه در موقعی که همین آقای  
داور وزیر فوائد عامه بودند بنده مذاکره کردم  
تصویبنامه دیگری صادر شد که سه ماه مهلت داده شد  
در موقعی که آقای مخبر السلطنه در این کابینه که تشکیل  
شد بودند با ایشان مذاکره کردم که آقا این خلاف  
قانون اساسی است. اصل هفتم قانون اساسی اساساً حق  
نمیدهد بدولت که در املاک مردم بتواند دخالت کند

قانون بالاخره حکومت دارد. تا ما این دو نابلو ار  
در طرف مجلس گذاشته ایم و مقسم ما قرآن است در  
این مجلس ما نمیتوانیم بر خلاف قرآن رفتار کنیم و  
بالاخره این تصویب نامه در موقع عمل معایب  
زیاد دارد. افراد مردم را بزحمت انداخته و پارسال  
گذشته در دهات آنجا در بیسلاق بازده طفل زیر  
باران و آفتاب مردند برای اینکه میخواست اشجار  
خودش را ببرد و سابه بان درست کند مأمور جنگل  
نمیکذاشت. یک عریضه بنده بوزارت فوائد عامه عرض  
کرده ام (اینها را مقدمه عرض میکنم برای اینکه بدانید  
گرفتاری تا چه اندازه است که مجبور شدم این را تقدیم  
بکنم) نوشتم بوزارت فوائد عامه: چون تصویب نامه  
صادر در کابینه اسبق راجع به جنگل های شمال اسباب  
زحمت ایرانیها و بملاحظه اینکه صریحاً بر خلاف ماده  
۱۷ قانون اساسی است الغاء آنرا جداً خواستارم برای  
مزید اطلاعات آن وزارتخانه بعرض میرساند که صفحه  
گیلان و مازندران بر خلاف عراق است، کلیه قراء  
و بلوکات دارای خرابه است که عموماً مشجر و یک  
اصله درخت صنعتی در میان آنها وجود ندارد، در این  
خرابه ها درخت های خود رو از قبیل نوسه، راش،  
اریا، پلوط و لیک و غیره است. ساختن خانه های رعبی  
از پایه و دیوار اطراف با چوب ساخته میشود بعد بنای  
خلخال می آید و گل میزند. رعیت در همچو جائی  
سکنا میکند. اگر در املاک آبادی خرابه نداشته باشد  
آن املاک لم زرع می ماند تمام سوخت و خانه  
سازی و تلتبار برای ابریشم و کندوج و کروج  
و برچین باید از همین درختهای غیر صنعتی ساخته  
شود، علاوه خانه های شهر باید با همین گونه چوبها  
ساخته شود آره کش به ده میرود و چوبهای مخصوص  
اره کشی میکنند و بشهر می آورند و میفروشند که با این  
لدغن دولت من غیر مستقیم یک کمکی بچوبهای خارجه  
بشود مردم برای حوائج خود چوبهای خارجی را  
خریداری میکنند، دولت در این املاک یک جریب ملک

ندارد و اما درختهای صنعتی در جنگل وجود ندارد این  
درخت مخصوص باغات و خیابانها است درخت مازو و  
شمشاد در جنگل های معین است که مالک مخصوصی دارد  
درختهای صنعتی در دامنه کوههای خاکی بعمل میآید.  
این هم یک رشته معین است، از نقل بر و سیاه رود،  
اشکلک، امامزاده هاشم و گل برک، دره پشت، دهنه  
سیاه کلاوندان، نخل بیوندان، لاکان، اسکده، نارنج  
گل، چتلان، اسکده سالکی سار، سیلکر، میرسد به  
طالش. این دهات تمام مالکین یکصد ساله و دویست  
ساله دارد، مازو و شمشاد دارد، وقتی یک درخت مازو  
را قطع می کنند بواسطه رطوبت هوا هر یک بوته  
ده شاخه، کمتر از پنج شاخه نمیزند، مصرف چوبهای  
شهر همین است که اشبر میگوئیم - روبر خال که  
نازکتر است از همین جنس است. این صحبت جنگل  
بانی جز خرج برای دولت و ملت چیزی نیست. مردم  
از داخله به خارجه جنس حمل میکنند که پول وارد  
کنند. حالا میل ندارید به خارجه بفرستید مختارید.  
دیگر مانع مردم در تصرف املاک خود چه صورت  
دارد؟ خواهشمندم تصویب نامه صادر شود که تصویبنامه  
گذشته را لغو و قطع اشجار غیر صنعتی را مجاز و اشجار  
صنعتی را اگر میل دارید یک قدغنی بکنید - هر چه  
ما در این دو سه ساله گفتیم ابداً داد مان به جائی  
نرسید بالاخره در چندی قبل یک تصویب نامه صادر  
میشود که آن تصویب نامه نمره فلان را دو ماه مهلت  
می دهد ولی اصل موضوع از بین نمیرود. بنده گرفتارم  
ببچاره شدم، خودم میدانم تصویب نامه قانونیت ندارد  
اما من گرفتارم، مردم گیلان و مازندران گرفتارند،  
یک صفحه از نقاط آذربایجان گرفتارند، بالاخره استرآباد  
گرفتار است. به این جهت بالاخره مجبور شدم به امضای  
قریب هفتاد و هفت هشت نفر از آقایان محترم (باقی را  
زیارت نکردم کمان میکنم همه آقایان موافقت فرمایند)  
ماده واحده برای تقدیم مجلس شورای ملی بقید دو فوریت



تقدیم نمایم. به دودفعه بلند شدن و نشستن چندین میلیون نفوس کیلانی و مازندرانی را مخلص خودتان بکنید.

رئیس -- این ماده قرائت میشود ولی اگر آقای حاج آقا رضا رفیع قبول بفرمایند رأی را بگذاریم برای بعد از تنفس.

(ماده واحد شرح ذیل قرائت شد)

ماده واحد - دولت مکلف است که بوزارت مالیه دستور دهد که تصویب نامه نمره ۱۳۵۴۵ در باب جنگل ها کالعدم بکن میباشد و ترتیب اثر بر آن غیر مجاز است

رئیس -- پیشنهادی راجع به دستور شده است قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم لایحه ورزش اجباری مقدم بر دستور بوده و لایحه پست و تلگراف در درجه دوم دستور واقع شود. روحی

رئیس -- آقای روحی

روحی - عرض کنم لایحه پست و تلگراف چندین جلسه وقت مجلس را گرفته و بنده میدانم امروز هم بالاخره نخواهد گذشت. این لایحه ورزش اجباری يك چیزی است که کار مالی ندارد که بخواهیم مالیات برش به بندیم یا عایداتی را تصویب کنیم، و برای تربیت نسل آتیه است عقیده دارم که این لایحه را چون آقای وزیر معارف هم تشریف دارند آقایان موافقت کنند مقدم بر دستور باشد که لا اقل در ظرف این چند روز يك کاری هم کرده باشیم

رئیس -- آقای اعتبار

اعتبار - عرضی ندارم.

رئیس -- پیشنهاد آقای روحی مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس -- خبر کیسیون معارف راجع به ورزش

اجباری مطرح است طبع و توزیع هم شده است در کلیات مخالفی دارد یا نه؟ آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - چون در اصل مسئله نمیتوانم مخالفت کنم بعلمت اینکه ورزش يك چیزی است اساسی ناچارم در شور در کلیات برای توجه دادن آقای وزیر معارف را به يك ترتیبات عریضی بکنم. حالا بنده کار به مدارس جاهای دیگر ندارم راجع به مدارس طهران آقارامتوجه میدارم با اینکه اداره تفتیش مفصلی دارند (یعنی از ایشان نیست از سابق است) ولی بنده خودم اولاد دارم همه آقایان هم اولاد دارند. با اینکه این لایحه آمده است برای ورزش به عنوان حفظ صحت در مدارس که اینجا هست بنده میدانم اینجا يك جائی بوده است که زور خانه بوده است و گنبد دارد مفتش هم می رود میبیند آنوقت ورزش میخواهند بکنند که غذایشان تحلیل رود ولی بنده این يك چیزی است که دیده ام چون نظر آقای وزیر معارف در این لایحه عنوان حفظ الصحه است بنده عرض میکنم که حفظ الصحه مرتبه اولش پاکیزه گی محل و مسکن اطفال است. خوبست يك توجهی باین امور بشود و الا بنده با ورزش که بهترین چیزها برای حرکت دادن يك ملت از خواب گران است که سالها خواب بوده مخالفی ندارم. بله البته باید ورزش بکنند که بدنشان سالم بشود بعد خدا کند که کله شان هم ورزش بیاید که از زیر بار این طلسم ها بیرون بیایند.

وزیر معارف - محل مدارس جدید که در طهران هست و همچنین در سایر نقاط ایران چون دولتی نیست اجاره ایست این است که غالب منازل مناسب با مدرسه بودن نیست. راجع باین مدرسه که آقا اظهار کردند به بنده خبر رسیده بود و همچنین بعضی مدارس دیگر هست که اصولاً اطفاهايش مرطوب و غیر متناسب است و بنده سپرده ام منزلهای بهتری تهیه و اجاره کنند تا اینکه در این قسمت بطور موقت رفع نگرانی بشود ولی در موقعی میشود مطمئن شد و محل مدرسه متناسب با مدرسه

و حفظ الصحه باشد که از طرف دولت ساخته شود و آن را هم امیدوارم در آتیه وجوهائی تهیه شود و این نظریه را نامین نمایم.

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی - اینجا يك کلمه هست که مینویسد دولت مجاز است ...

رئیس -- راجع بکلیات است؟

کازرونی - بله راجع بکلیات عرض میکنم خوبست در اینجا نوشته شود دولت مکلف است نه (مجاز) بواسطه اینکه بنده میترسم (امروز را نمیگویم) فردا بواسطه تأییرانی از این کلمه (مجاز) سوء استفاده هائی راجع بولایات بیچاره بشود یعنی يك ترتیباتی روی کار بیاید که در این مسئله هم اهالی ولایات محروم بمانند و با این قسمت اختصاص داده شود مگر بنده خواستم در ضمن اینکه تحت عنوان مخالفت قیام کرده ام و عریضی میکنم يك تذکری بدهم و استدعا کنم که شاید يك توجه بیشتری بولایات مخصوصاً ولایات دور دست بشود و در این مسئله بخصوص منتظرم که ابتدا از طرف وزیر محترم معارف بشود که به نقاطی که از مرکز دورترند اقل در این قسمتی که آقای وزیر معارف میخواهند بذل توجهی بکنند ابتدا بردمانی که از همه چیز محرومند يك فایده رسیده باشد.

رئیس -- آقایانی که راجع بمواد اظهاراتی دارند در

موقعی که ماده قرائت میشود بفرمایند. آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس -- آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس -- آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با هر چیزی که برای حفظ الصحه

لازم باشد موافقم و عقیده دارم که صحت اطفال را باید حفظ کرد که مریض نشوند و بتوانند مشغول تحصیلات باشند ولی حیث که در این مملکت بواسطه شیوع سفلیس و سایر امراض در اثر آزادی که داده اند موفق نمیشویم به حفظ الصحه و در این ورزش اجباری هم گمان نمیکم مطابق قانون اسلام بتوان تمام افراد را مجبور کرد برای اینکه بسیاری از اطفال هستند که مزاجشان سالم و صحیح است و محتاج ورزش نیستند و اینها را میخواهند مطابق قانون مجبور کنند ورزش کنند بنده مخالفم از این راه است و اشخاصی که محتاج نباشند اجبارش با قانون اسلام موافقت نمیکند دکتر ظهیری (مخبر کیسیون معارف) - این لایحه از او ایچی است که بنده تصور نمیکم هیچکس در کلیاتش مخالف باشد و اگر چه يك لایحه خیلی ساده و مختصری است ولی بعقیده بنده یکی از قدم های اساسی و محکم است که برای جامعه برداشته شده. این حرف از قضایای مسلمانه است که عقل سالم در بدن سالم است و اگر چنانچه تقویت روحی بدون رعایت تقویت جسمی باشد موجب انحطاط جسم و ضعیف شدن و بروز امراض میشود و شخصی که علیل و مریض میشود قابل استفاده نیست. تربیت باید هم جسمی باشد و هم روحی و اما فرمایش آقای فیروز آبادی تصور میکنم هیچ در اینجا موقع نداشته باشد زیرا بر حسب احکام و احادیث حفظ بدن و حفظ الصحه از دستورات دینی ما است و اینکه ورزش را اجباری میکنند برای وسائل حفظ الصحه است. اگر کسی مریض باشد و ورزش مخالف آن مرض باشد البته به طبیب مراجعه میکنند و آن شخص ورزش نمیکند یا ورزشی میکنند که موافقت با آن مرض داشته باشد و اما اینکه فرمودند اشخاص سالم نباید ورزش کنند این برعکس است باید ورزش بکنند که صحت بدنشان محفوظ بماند. اگر مراجعه کنید به متعلمین مدارس می بینید که اینها بیشتر اوقاتشان را باید صرف مراجعه به طبیب بکنند زیرا تمامشان مریض



و علی هستند برای این که قوه دماغی را بکار میبرند در صورتیکه هیچ رعایت حفظ قوه بدنشان را نمیکند و تعادل قوه روحی و جسمی شان بهم میخورد و همیشه ضعیف و لاغر و مریض هستند و بایستی به طبیب مراجعه کنند و در هر صورت یکی از لوازم بسیار مهم و مفیدی که مملکت را بیک آتیه خوبی سوق میدهد و اشخاص قوی الفکر تولید میکند این لایحه است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

افسر - بنده مخالفم یا کفایت مذاکرات

رئیس - بفرمائید

افسر - چون آقای فیروزآبادی فرمودند این مسئله مخالف شرع است و جواب رسمی بایشان داده نشد بنده خواستم مخصوصاً عرض کنم که در این جانوشته شده است در مدارس ورزش اجباری است. اطفالی که ب مدرسه نمی آیند مجبور نیستند ولی وقتی که ب مدرسه آمدند میگویند مدرسه ما ترتیبش این است و یکی از مواد پروگرامش ورزش است و چون این قسمت جواب داده نشد باین جهت بنده کافی نمیدانم.

رئیس - حالا که جواب دادید. کافی است؟

جمعی از نمایندگان - کافی است

رئیس - ممکن است رأی را گذاشت برای بعد از

تنفس.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

( در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

وزیر داخله - آقای رهنما را بسمت معاونت وزارت داخله به مجلس شورای ملی معرفی میبایم.

رئیس - پیشنهادی که آقای حاج آقا رضا رفیع داده بودند و بنیادش بعد از تنفس رأی بگیری اصلاح شده قرائت میشود بعد مذاکره میکنیم و رأی میگیریم.

( ماده واحده بشرح ذیل قرائت شد )

ماده واحده را بترتیب ذیل پیشنهاد و اصلاح میکنم ماده واحده - چون راجع بجنکلهای از طرف مجلس قانونی وضع نشده علیهذا بموجب این ماده واحده بدولت ابلاغ میشود. دولت مکلف است هر امری که راجع به جنکلهای صادر شده موقوف الاجرا و کان لم یکن دانسته و لایحه قانونی را در این باب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

رئیس - آقای تقی زاده.

حاج آقا رضا ( رفیع ) - اجازه میفرمائید؟

رئیس - میخواهید توضیح بدهید؟ بفرمائید

حاج آقا رضا ( رفیع ) - عرض کنم این مسلم است که با بودن مجلس شورای ملی هیچ محلی صلاحیت برای وضع قانون ندارد و اگر چنانچه مجلس شورای ملی رأی بدهد به اینکه تمام اشجار مال دولت است بنده از طرف گیلان عرض میکنم که بر ما محترم است و هر امری بشود مطاع است و بنده عرض میکنم این لایحه باید بیاید بمجلس شورای ملی و هر طور مجلس برای صلاحیت مردم تصویب کرد همه شان مطیع خواهند بود و عجاله برای اینکه مردم گرفتارند این تذکر باین ترتیب داده شود که این تصویبنامه قانونیت ندارد از این جهت بنده این شرح را عرض کردم.

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده فعلاً در اصل مطلب عرضی ندارم ولی با فوریتش مخالفم. این مسئله باید مسلم شود گاهی دیده میشود که يك چیزی میآید اینجا و آقایانیکه با خود مطلب موافقت در فوریتش هم قیام میکنند و آنهائیکه با خود مسئله مخالفند قیام میکنند این مسئله نباید اختلاف داشته باشد. بسا هست که ماها با خود مسئله موافقیم ولی با فوریتش مخالفیم. بعقیده بنده آوردن يك لایحه با دو فوریت که درست نمیدانیم و سابقاً هم جزو دستور نبوده و تصویب نامه سابق را هم مطالعه نکرده ایم

و نمیدانیم چیست صحیح نیست و این را هم که يك دفعه خواندند و درست نمیدانیم و کلیه بطور دو فوریت يك لایحه را در مجلس آوردن و اینرا کم کم ادامه و سابقه دادن مخالف مصالح مملکت است ( بعضی از نمایندگان - صحیح است ) حالا اگر مطلب صحیح است هر قدر هم درش مطالعه و صحبت بشود باز صحبتش روشن میشود و همانطور که فرمودند چون تصویب نامه مورد نداشته شاید محتاج به الغاء نباشد ولی الان میخواهیم بموجب يك قانونی الغاء کنیم یعنی قانونی از مجلس بگذرانیم بدون هیچ نوع مطالعه بدون اینکه وقت هیچ نوع بحثی در او باشد بعضی آقایان اگر ملتفت هستند بنده شخصاً ملتفت نیستم. تصویب نامه سابق را هم ندیده ام این مطلب را هم سابقه و لاحقش را اطلاع ندارم و گمان می کنم مطلب هر قدر درش مباحثه شود روشن میشود و اگر ما بعضی اوقات مطلبی را با کمال سرعت بگذرانیم شاید حمل بر این شود که يك اشتباه کاری است و میخواهند زود بگذرد. در صورتیکه اینطور نیست. علاوه بر این هر قانونی که از مجلس گذرانده میشود بنظر خود مجلس تنها نباید باشد دولت هم باید نظر خودش را بگوید و بعد البته نظر مجلس قاطم است ولی بدون اینکه فرصت بدهیم بدولت که نظریه خودش را بگوید یا مطلع شود یا خودمان هم مطلع شویم بنده عقیده ندارم بنده برای مطالب خیلی حق هم که کاملاً حق باشد با دو فوریتش مخالفم مگر در موارد بسیار مستثنی و نادر که مسائل ضروری باشد و در فوریت این کار هم مصالحی نیست و این نوع سوابق را گذاشتن صلاح مملکت نیست.

رئیس - رای اطلاع آقایان عرض میکنم مذاکرات که میشود راجع با فوریت قسم اول و يك شوری است بعد راجع با فوریت قسم دوم مذاکره خواهیم کرد.

آقای یاسائی

یاسائی - رای تذکر آقای تقی زاده عرض میکنم در

قانون مجازات دو ماده قید شده است که هر گاه دولت تصویب نامه بر خلاف قوانین مصوبه مجلس شورای ملی صادر بکند و بموقع اجرا بگذارد آن دولت و آن وزیری که تصویب نامه صادر کرده مسؤل است و باید مجازات شود. پس البته اگر يك تصویب نامه بر خلاف قوانین موضوعه صادر شده باشد هیچ اعتبار ندارد و صادر کننده اش مسؤل است. راجع به جنکلهای قانونی از مجلس نگذشته است تصویب نامه هم که صادر شده قبل از وضع قانون مجازات بوده و قانون مجازات شامل این گونه تصویب نامه هائی که قبل از تصویب خود قانون بوده نمیشود. این طرحی که تقدیم مجلس شده راجع باین است که دولت هیچ تصمیمی راجع بجنکلهای ( مخصوصاً در آن قسمت هائی که مربوط به مملکت جنکله است چه از نظر عمومی که دولت باید در نظر بگیرد و چه از نقطه نظر مملکت شخصی و همین طور جنسکلهائی که مجاور املاک اشخاص است ) نباید بگیرد یعنی تا موقعی که قانونی از مجلس نگذشته است اقدامی نباید بکند بلکه باید قانونی را که در نظر گرفته است لایحه اش را بیاورد به مجلس و هر طوری مجلس تصویب کرد بموقع اجرا بگذارد و بدون اینکه قانونی از مجلس بگذرد دولت حق ندارد. چرا برای این که این فورمولی که اخیراً بر خلاف قوانین شرعی و عرفیه وزارت مالیه اتخاذ کرده باید منسوخ شود و آن این است که تصرف را که اماره مالکیت است مالیه میخواهد ملغی کند. در املاک خالصه هم همین رویه را اعمال میکند. ملک مردم را تصرف میکند. بعد میگوید برو سند بیاور. يك ملك صد ساله که متعلق ب مردم است بعنوان این که در طومار نادری فلان وقت فلان پادشاه آن املاک را بر داشته خالصه کرده است با دولتهای گذشته روی وقایع اصلی آن روز يك املاکی را ضبط و صادره کرده اند حالا يك چیز هائی نوی دفاتر مالیه پیدا میکنند و آن را املاک و مدرک مالکیت دولت قرار میدهد.



این اصولی است که شرعاً و عرفاً غلط است هم راجع بمخالصات و هم راجع بمجنکلی ها و بالاخره يك جنکلی هائی در مازندران و استراباد و کیلان هست که مجاور املاک شخص مردم است و اصلاً املاک مزروعی آنها عبارت است از يك اراضی که ابتدا جنکلی بوده بعد اشجارش را انداخته و سوزانده اند و حالا قابل زراعت است و ملکشان است . حالا دولت میگوید سند بیاورید و ثابت کنید که این ملک شماست در صورتی که دولت مدعی است که جنبه عمومی و خالصکی دارد او باید ثابت کند ولی در وزارت مالیه این قضیه معکوس شده است و این اصل غلط را نباید مجلس تصدیق کند باین جهت ما این طرح را تقدیم کردیم و این مسئله هم چیز مهمی نیست که آقای تقی زاده بخواهند مطالعات زیادی درش بکنند . مطلب این است : مادامیکه قانونی راجع بمجنکلیها از مجلس نگذشته است هر اقدامی دولت بکند و هر تصمیمی که بگیرد قابل اعتنا و اعتبار نیست .

رئیس -- آقای آسید بعقوب موافقتند ؟

آقا سید بعقوب -- بله

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- آقای روحی

روحی -- موافقم

رئیس -- آقای فرمند

فرمند -- موافقم

رئیس -- آقای افسر

افسر -- مخالفم

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- موافقم

رئیس -- آقای عراقی

عراقی -- موافقم

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- بنده گذشته از اینکه با فوریت مخالفم با اصلش هم مخالفم بجهت اینکه دولت می نشیند و بر خلاف قانون تصویب نامه صادر میکند آنوقت ما باید هر روز بنشینیم ماده واحده تصویب کنیم که دولت خلاف قانون نکند . البته دولت نباید بر خلاف قانون قدمی بردارد . دولت غیر از اجرای قوانینی که مجلس شورای ملی تصویب کرده هیچ کار و وظیفه ندارد هرکاری غیر از این بکند بر خلاف وظیفه کرده است و اساساً چون معمول بوده يك کار هائی دولت میکرده و بنده موافقم با نظر آقای تقی زاده که این مسئله را فوریت نگذارند و در اصل موضوع ما باید فکر کنیم که چه باید بکنیم . این دولتهای ما که بیخود می نشینند دور هم و يك چیزی را اسمش را میگذارند تصویب نامه و عمل می کنند باید این را علاج کرد . اگر بان ماده که فرمودند در قانون مجازات است علاج میشود فبها اگر بان علاج نمی شود باید يك فکر دیگری کرد بجهت اینکه نا بوده ما هی می شنویم (تصویب نامه) هر چه هم توی قانون اساسی و قوانین موضوعه میگردیم يك ماده برای این کار نیست . لهذا خوبست در اصل مسئله وارد شویم و به بینیم که باید چکار کرد .

رئیس -- آقای زعیم پیشنهادی کرده اند

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم طرح قانونی تقدیمی آقای رفیع از دستور امروز خارج بشود و مذاکره در مورد آن آن بدسه شنبه آتیه محول گردد .

رئیس -- بفرمائید

زعیم -- بنده در موقع تنفس هم خدمت آقای رفیع عرض کردم که مجلس کارش عبارت از وضع قانون است اگر بنا شود ما هر روز برای يك تصویبنامه غلطی که صادر میشود يك قانونی وضع کنیم که لغو شود این اصلاً از حیثیت مجلس خارج است و از عظمت

مجلس میبکاهد . ایشان اظهار مینمودند که این تصویب نامه يك مضيقه و ابتلائی برای اهالی آن حدود تهیه کرده که مکرر در مکرر به وزارتخانه مربوطه تذکر داده ام و متأسفانه رفع این محذور است نشده است و حالا بهترین راه حلی که من دیده ام برای رفع این فشار و زحمت این است که يك همچو تصویب نامه از مجلس برای الغاء آن صادر شود . بنده تصدیق دارم که این قضیه يك ابتلائی تولید کرده ولی این را هم آقایان تصدیق میفرمایند که مجلس نمیتواند هرروز برای يك عملی که در يك وزارتخانه بر خلاف قانون اساسی و قوانین موضوعه پیش می آید يك نوع قانون جدیدی وضع کند که این کار نباید بشود . اصلاً آنها نباید بکنند و بنده می بینم که این طرح را هشتاد نفر از آقایان امضاء کرده اند . دولت اگر دولت این مجلس است باید متنبه شود و يك چیزی را که هفتاد هشتاد نفر وکیل بان نظر دارد اهمیت بدهد این بود که بنده جمع ما بین این دو منظور را در نظر گرفتم یکی اینکه این کار مجلس نیست و از عظمت مجلس دور است و یکی اینکه میفرمایند این مسئله مبتلا به مردم است بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که تا روز سه شنبه مهلت بدهند و اگر وزراء رفتند و رفع این زحمت را که تکلیف آنها است کردند که مقصود حاصل است و گرنه در اساس باید فکری بکنیم و الا هر روز يك چیزی که از وظیفه مجلس دور است با قید دو فوریت مطرح بکنیم بنده مخالفم و صلاح مجلس را نمیدانم

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- بنده قضیه را این قدرها مهم نمیدانم که بکمرنبه جزو دستور بشود و بعد پیشنهاد بشود از دستور خارج شود و در جلسه دیگر وارد شویم . بنده عقیده ام این است تصویب نامه هائی که دولت ها صادر کرده اند از چند صورت خارج نیست يك تصویب نامه هائی است که

قبل از قانون مجازات صادر کرده اند که آنها را نمیشود بر خلاف قانون تلقی کرد برای اینکه قانون مجازات متوجه يك تصویبنامه هائی میشود که بعد از قانون مجازات صادر کرده باشند و البته آنها مشمول قانون مجازات است و الا اگر قانونی نبوده و آن موضوع بتصویب مجلس نرسیده آن تصویب نامه ها در حکم يك عملی که قانونیت ندارد تلقی میشود و اشکالی هم نیست در هر حال ما میخواهیم در این جا بموجب يك طرحی بدولت امر بدهیم که اقداماتش را راجع به جنکلی موقوف کند تا قانونش از مجلس بگذرد . چیز مهمی هم نیست . تصویب نامه را هم نمیخواهیم لغو کنیم که میفرمائید مطابق و مناسب با عظمت مجلس نیست بدولت حاضر میگوئیم اگر دولت های پیش تصویبنامه راجع به جنکلی صادر کرده اند نباید مجری شود تا قانونش به مجلس بیاید .

زعیم -- همین اندازه کفایت میکند .

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای زعیم آقایان

که تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد . آقای آقا سید بعقوب

آقا سید بعقوب -- بنده کم کم نمیدانم چه واقع می شود ! مثلاً آقای تقی زاده می فرمایند کار فوری نیست ! چطور فوری نیست ؟! دو سال است اهالی مازندران کیلان و استراباد و حتی در طرف شیراز و ساوجبلاغ مردم در فشار مأمورین مالیه هستند و دارند آتش میگیرند این مردم بد بختی که ما را فرستاده اند اینجا نحت فشارند . میگوئید فوریت ندارد ؟! دو سال است خانه شان آباد نشده است . چرا ؟ برای اینکه مأمور مالیه نمی گذارد . من تعجب میکنم جائی که صدای این بد بخت ها و ندای ملت بلند است . در کمسیون عرایض نگاه کنید هر کس که مطلع باشد میداند که بر سر طالش و گالش چه می آید ! ما



نسبت بچنگل ها بهمان سیره مستمره که تا در سال قبل عمل میکرد بهمان حالت باقی باشد تا لایحه در این باب بمجلس بیاورد این کجا ایش ضرر دارد آقایانیکه رب النوع ملت هستید؟!

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

زعیم - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - بفرمائید

زعیم - اینجا يك مسئله اصولی است که آیا مجلس طرز قانون گذاریش ممکن است این طور باشد؟ ...

یک نفر از نمایندگان - بله

زعیم - شما میگوئید که ما میخواهیم این سیره که سابق بوده

حفظ شود. شمارا بخدا این طرح قانونی است؟ ...

رئیس - آقا در کفایات مذاکرات صحبت بفرمائید

زعیم - بنده عرض را میکنم. این لازم است که معلوم شود این وظیفه ما هست یا نه اصلا این را بنده دون مقام مجلس میدانم و استدعا میکنم بگذارند همینطوری که در فوریتش صحبت میکنم به بینم صلاح مجلس هست یا نه؟

رئیس - آقای زوار

زوار - اینکه نماینده محترم استدعا کردند بماند برای دستور جلسه آتی بنده هم از ایشان استدعا میکنم موافقت کنند که این لایحه حیاتی امروز از مجلس بگذرد و بطوریکه اشاره شد علاقه مند هستیم که یکی از طرح هائی که برای رفاهیت عامه است همین لایحه است ..

رئیس - آقا راجع بکفایات مذاکرات بفرمائید

زوار - ازین نقطه نظر بنده موافقم با کافی بودن

مذاکرات و استدعا میکنم پس بگیرند

رئیس - رأی میگیریم بکفایات مذاکرات آقایانی که

تصویب میکنند قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - اکثریت است. رأی میگیریم بفوریت قسم اول یعنی يك شوری آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند ( اغلب برخاستند )

رئیس - تصویب شد. فوریت قسم دوم مطرح است.

وزیر معارف - اجازه می فرمائید؟ این تصویب نامه که محل نظر و توجه نمایندگان محترم است در چندین سال قبل از طرف یکی از کابینه ها صادر شده و بنده هم تصدیق می کنم که این تصویب نامه يك اشکالات و زحانی برای يك عده زیادی از مردم تولید کرده و فقط بنده در این جا می خواهم خاطر آقایان نمایندگان محترم را بیک نکته جلب کنم که آن نکته بعقیده بنده اساسی و يك اصلی است خواستم قبلا عرض کنم ولی چون خودم هم با يك قسمت از تصویب نامه مخالف و با آقایان موافق بودم عرض نکردم ولی حالا عرض می کنم: این رأی که آقایان میدهند يك سابقه بسیار بدی ایجاد خواهد کرد و آن این است که برای این امر به خصوص و برای این تصویب نامه خاص مجلس رأی میدهد که این تصمیم کلن لم یکن است. بنا بر این هر دولتی ممکن است نسبت به امری که قانون ندارد تصمیمات بگیرد و تصویب نامه صادر بکند و بگوید این دارای قوت قانون است و تا موقعیکه مجلس شورای ملی يك ماده قانونی نگذرانده است این تصمیم بر قرار است. این يك نکته اساسی است. بنده در عین اینکه عضو دولت هستم نمیتوانم از این حق مشروع ملی مجلس شورای ملی صرف نظر کنم

جمعی از نمایندگان - صحیح است

وزیر معارف - بنا بر این فوریت اولش رأی داده

شد خوبست آقایان موافقت بفرمایند که برود به يك کمیسیون ( حالا با یکی از کمیسیونهای معمولی و عادی

باشد یا کمیسیون خاصی ) و بعد هم دولت نماینده اش بیابد آنجا آن نظامنامه را هم بیاورند و همانطوری که آقای مدرس و بعضی از آقایان دیگر اظهار کردند يك ترتیبی باین کار داده شود بنده بالصراحه عرض میکنم که این سابقه خوبی نیست.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم اگرچه مضمون این ماده واحده طوری تنظیم شده که این نگرانی که آقای وزیر معارف فرمودند از آن حاصل نمیشود ولی همانطوری که آقای تقی زاده و آقای مدرس هم فرمودند در يك قضیه هر قدر هم صحیح باشد اگر بیشتر درش دقت و مباحثه شود بهتر است. بنده هم بسهم خودم قبول میکنم که برود به يك کمیسیون.

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده خواستم عرض کنم از صحبت هائیکه کردند احساس میکنم که شاید فوریت نانی تصویب نشود ولی خواستم چند کلمه عرض کنم آقایانی که بعد از بنده حرف زدند توجه فرمودند که من با فوریتش مخالف بودم و شرح مفصلی راجع به این مطلب گفتم و حق عرض کردم که شاید راجع باصل مطلب موافقم یکی از آقایان آقای آقا سید بعقوب میفرمودند چکار فوری تر از این است. ایشان فوری را بمعنی لغوی می گرفتند یعنی باید زود بگذرد در صورتیکه این اصطلاح قانونی است برای اینکه دوشور نشود و بکمیسیون زود بله کار را خیلی باید بعجله کرد و در نزدیکترین زمانی هم گذراند بنده مخالف نبودم ولی اگر بموقع می آمد بعد از دقت کامل البته موافق بودم. فرمودند که همه میدانند حالا اگر همه میدانند بنده که بکنفر هستم نمی دانم و مخالفت میکنم و پس از اینکه فوریت هم مطرح میشود آقایان رأی بکفایات مذاکرات میدهند معلوم میشود که خود فوریت هم فوری است و نمیگذارند راجع به آن حرف زده شود و مباحثه بعمل آید بنا بر این بنده با فوریت دوم هم مخالفم. و مقصودم

ما وراء طهران را نگاه نمی کنیم! نظرمان بخیایان لاله زار است و نگاه نمیکنیم که به بینیم این مردم زیر چه شکنجه هائی هستند!! هیچ مسئله و امری فوری راز این مسئله نیست. مسئله دیگری فرمودند که بنده کما میکنم کاملا حق مجلس است. وضع قانون است و کم کم این حق هم از مجلس گرفته میشود. دولت پا میشود سرپا يك لایحه قانونی میآورد در تحت دو فوریت ما رأی میدهم و نمیدانیم چه میشود ولی این جا که دو گروه سه گروه مردم تحت فشار هستند میگویند بفوریتش نباید رأی بدهیم! من حقیقتش این مسئله را که آقای مدرس و آقای تقی زاده فرمودند نفهمیدم.....

مدرس - خلاف قانون است.

زعیم - کار ما نیست

آقا سید یعقوب - عرض میکنم. بنده می نشینم میگویم خلاف قانون است. لعنت خدا بر کسی که خلاف قانون بکند لعنتش هم میکنم. بعد از نماز صبح تسبیح هم دست میگیرم لعنتش میکنم و میگویم هر کس خلاف قانون رفتار بکند خدا لعنتش بکند فایده ندارد باز هم خلاف قانون میکنند. ما توپ و توپخانه نداریم. سؤال و استیضاح هم نداریم يك مسئله قانونی آقای باسائی و سایر رفقایشان پیشنهاد کرده اند که بنده هم موافقم بهمان تیره و سیره. ( سیره جاریه یکی از چیز هائی است که از لغات و اصطلاحات مستخدمین است ) باقی باشد تا لایحه اش را بیاورند و هیچ عملی در این باب نکنند همینطور مثل عمل قبل از مشروطیت بهمان سیره جاریه باشد تا اینکه قانونی بیاید این هیچ عیبی ندارد و پیشنهاد صحیحی است مطابق سابقه و با اصطلاح مافقها مطابق با سیره مستمره است و هیچ ضرری ندارد ما که در مجلس نشسته ایم غیر از این چاره نداریم و باید حافظ و ناظر قانون باشیم و در جائیکه به بینیم خلاف قانون است و عنوان سؤال و استیضاح مؤثر نیست ناچاریم بعنوان طرح قانونی با ماده واحده بگوئیم دولت مکلف است



رفع اشتباه بود. و دولت که جنکلیها را میبرد و فلان میکنند همه اش در جای خودش مسلم است بنده هم يك كلمه بر خلاف این نگفتم. بنده گفتم مصلحت مملکت مقتضی این است که بکفوری نامل و حلای در کار بشود که همه مان بفهمیم و همان رأی که آقایان میدهند همه بدیم.

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - راجع بکفایت مذاکرات بفرمائید

آقا سید یعقوب - اینجا دو دلیل ذکر کردند و بنده هم جواب آقای تدین را میدهم که با آن زر دستی که داشتند يك منطقی بیان کردند که اگر موقع رسید جوابشان را عرض میکنم که خودشان هم کاملاً تصدیق بفرمایند و هم جواب آقای تقی زاده را عرض میکنم. بنده پنججاه سالم است و کاملاً میفهمم چهار دوره هم در مجلس بوده ام و سنم هم زیاد است آقای تقی زاده میفرمایند که بنده کلمه فوری را نمیفهمم خیر آقا بنده معنایش را میفهمم. اما در این مسئله که آقای تدین فرمودند و آقای دادگر که باید بامن موافقت کنند کاملاً با آقای تدین موافقت کردند عرض میکنم که جواب اینها داده نشده از این جهت بنده میخواستم بگویم مذاکرات کافی نیست تا اینکه مخالف با این فرمایش آقای تدین هم صحبت بکند آنوقت کافی بشود چون جواب ایشان داده نشد.

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده تصور میکنم بقدر لازم در این باب حرف زده شده است این جا همان قسم که گفته شد هیچکس موافق نیست که دولت تصویبنامه بر خلاف قانون صادر بکند و بمال مردم تعدی و دست

مسئله را اعلام کند نادیده دولتها نتوانند از این کارها بکنند. اما اینکه آقای وزیر معارف فرمودند ممکن است که این يك سابقه شود و مفهوم مخالفتش این بشود که بعد از این هر وقت که دولت تصویب نامه بر خلاف قانون صادر کرد مادام که آن تصویب نامه با رأی مجلس نقض نشود به قوت خودش باقی است. هنوز که مجلس این تصویب نامه را لغو نکرده اسباب زحمت مردم شده اند و مأمور در دهات و شهرهای دور دست فرستاده اند و آقایان همه مستحضرند که يك نظامنامه را دولت می نویسد و بدست مأمور میدهد و او هم هر چه دلش میخواهد بسر مردم بیچاره میآورد دولت حق ندارد تصویب نامه صادر کند. چه ما بگوئیم چه نکوئیم حق ندارد و نباید اسباب زحمت مردم را فراهم بیاورد. مجلس غیر از این که از این کارهای خلاف قانون جلوگیری کند کار دیگری ندارد. وارد در کارهای قوه مجریه هم که نمی توانیم بشویم زیرا ما قوه مقننه هستیم و نباید در امور قوه مجریه دخالت کنیم و چون باید از تعدیات هم جلوگیری کرد از این جهت ناچار شدیم که يك طرح قانونی پیشنهاد کنیم تا باین وسیله از تعدی نسبت بمردم جلوگیری شود. و غیر از این چاره نداریم.

با این مقدمات چون بنده این تصویب نامه را با دو اصل مخالف میدانم هم با اصل قانون اساسی و هم با اصول مذهبی ازینجهت عقیده دارم که با قید دو فوریت باید تصویب شود.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - غالباً در این جور مسائل که دو طرف دارد يك طرف موافق که محاسنی اظهار میکند و يك طرف مخالف که معایبی اظهار میدارد وقتی که در نتیجه مذاکرات طرفین می خواهند بهم نزدیک شوند آنوقت به عقیده بنده با فشاری يك طرف که حتماً باید فلان طور شود عکس العمل پیدا میکند. آقایانی که در این قضیه بیشتر از همه علاقه مند هستند و هر روزه تحت

فشار موکلین خودشان هستند مثل آقای دادگر و حاج آقا رضا رفیع و سایرین البته موافقت میفرمایند که قدری بیشتر در این باب دقت شود تا منظور اصلی آقایان که رفع مزاحمت از صاحبان جنکلی است بعمل آید. این يك موضوعی است که بنظر بنده صحیح است ولی حالانده با آقای عراقی که شاید در محوطه خودمان جنگلی هم موجود نیست اگر بخواهیم يك طرف قضیه را کش بدیم و تعقیب کنیم و طرف دیگر را از بین ببریم آن وقت ما هم مجبوریم که با فشاری کنیم برای اینکه يك مسائل اساسی ازین نرود. بنده اساساً معتقدم که هیئت وزراء حق صدور تصویب نامه برخلاف قانون ندارند و هر دولتی که بخواهد از يك همچو حق نامشروعی استفاده کند باید مورد استیضاح واقع شود پس اگر ما بخواهیم ضعف قوه خودمان را نشان بدیم و يك چیزی که مخالف قانون است بخواهیم با يك ماده قانون آن را لغو کنیم این خوب نیست خواست آقایان اجازه بدهند که این ماده برویکمیسیون و در این ضمن شاید خود دولت اعلان الغاء این تصویب نامه را بدهد. اساساً عقیده ام این است که این مسئله باید مسکوت بماند و اگر دولت الغاء نکرد باید يك فورمولی با حضور نماینده دولت و اشخاص مطلع و با دقت کاملی در کمیسیون راه حلی پیدا کنیم و يك چیزی به مجلس بیاوریم که شأن قوه مقننه باشد به عقیده بنده برخلاف اصول است که ما يك همچو چیزی را بفوریت بگذرانیم. و این بمحقوق مجلس لطمه میزند.

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده هم مخالفم بعد از يك موافق عرض خواهم کرد.

رئیس - با چه مخالفتید؟

افسر - با فوریت مخالفم

رئیس - آقای خواجوی

خواجوی - عرضی ندارم



رئیس -- آقای زعیم

زعیم - بنده هم مخالفم.

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی - بنده هم مخالفم.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - اجازه میفرمائید عرض کنم.

رئیس -- مخالف هستید؟

دادگر - بیک طرز خاصی. (خنده نمایندگان)

رئیس -- آقای عدل

عدل - عرض میشود بنده از اشخاصی هستم که این لایحه را

امضاء کرده‌ام و جهتش هم این است که آن اندازه که بنده از تعدیات مأمورین فعلی در آذربایجان مطلع هستم گمان میکنم آقایان مطلع نباشند بنده این لایحه را امضاء کردم در حالی که با اصل مسئله مخالفم. و تصویب نامه را هم قانون نمیدانم ولی از بسکه از تعدیات مأمورین مطلع بودم و از طرف دیگر سهل انگاری دولت را راجع برفع تعدیات مأمورین خودش میدانستم از این جهت بود که این لایحه و طرح را امضاء کردم و پس از آنکه آقای وزیر معارف دفاع کردند و شرحی راجع بفوریت لایحه فرمودند گرچه فرمایشات اولی ایشان خیلی خوب بود و بنده هم موافقم ولی بعد نتیجه را طوری گرفتند که مقصود بعمل نیامد. همینطور که فرمودند ما تصویب نامه را قانون نمیدانیم و برای چیزی که قانون نیست نباید قانون گذراند. چنانچه مثلاً برای فلان آدمی که در کوچه آدم کشته است نباید این جا قانون بگذاریم که آدم کسی بد است و بنده با کمال نزاکت عرض میکنم وقتی که دولت يك چنین تصویب نامه برخلاف يك قانونی صادر کرد باید آن را پاره کرد و گذاشت نوي پاکت و پیش خودش فرستاد. مالیات وضع کردن حق دولت نیست. در

کند که مثلاً درخت را نسوزان و نگاهدار که فلانقدر قیمت پیدا خواهد کرد. خوب. اگر دولت يك همچو امرهایی به مأمور خودش داده باشد که مخالف شرع و عرف نیست و ضرری ندارد.

پس خوبست این امری که آقایان در نظر دارند معلوم شود کدام است و الا بطور مطلق خوب نیست زیرا ممکن است يك امرهایی داده باشد که از مد نظر تکالیف وزارت فوائد عامه يك حرف صحیحی باشد و مخالف با قانون هم نباشد. چون مطلقاً نوشته شده (هر امری) از این جهت بنده با فوریتش مخالفم و از آقایان وزراء که مسؤولیت مشترک دارند و حاضرند و مسبقند یا سایر آقایانی که مستحضرنند خواهشمندم توضیح بدهند تا معلوم شود و بنده هم بدانم. اگر مقصود از اوامر این‌ها این بود که بنده عرض کردم که اشکالی ندارد و اگر مقصود اوامر دیگریست که بنده نمیدانم و تقاضا دارم بفرمایند تا مطلب معلوم شود: غرض بنده این است که بطور مطلق نمیتوانیم بپذیریم و نمی توان فرض کرد که هر امری که وزارت فوائد عامه داده مخالف قانون است. باین جهت بنده با فوریت این لایحه مخالفم ولی با اساس قضیه کاملاً موافقم و دولت هیچ حق ندارد که بدون رضایت صاحبش درختی را ببرد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس -- چند نفر از آقایان پیشنهاد کرده اند که بفوریت قسم دوم رأی گرفته نشود. ولی برخلاف نظامنامه است باید رأی بگیریم منتهی آنهایی که مخالفند رأی نخواهند داد رأی میگیریم بفوریت ثانی یعنی عدم ارجاع به کمیسیون آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند. (همهمه بین نمایندگان)

رئیس -- عرض کردم رأی گرفته میشود بفوریت قسم دوم یعنی عدم ارجاع به کمیسیون. آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده از نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. مراجعه میشود به کمیسیون فوائد عامه. در لایحه ورزش اجباری باید رأی بگیریم برای شور در مواد. آقایانی که شور در مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده اول قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده اول - وزارت معارف مجاز است که ورزش را در کلیه مدارس جدید اجباری نماید.

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی - مخالفت بنده با این ماده از دو راه است یکی از مد نظر این که در این ماده نوشته اند: « دولت مجاز است » و بنده همان نظری را دارم که یکی از نمایندگان محترم (گو یا آقای کازرونی بودند) اظهار فرمودند ما باید دولت را مکلف کنیم نه اینکه دولت را مجاز یعنی مختار کنیم که اگر دلش خواست این کار را بکند و اگر دلش نخواست نکند. ما قانون می نویسیم که اجباری باشد در این صورت کله (مجاز است) باید به (مکلف است) تبدیل شود دیگر این که بنده بعنوان مخالفت میخواهم از آقای وزیر معارف استعلام کنم که این مسئله شامل مدارس خارجه هم که در ایران تأسیس شده است میشود یا نه؟ و آیا وزارت معارف نسبت به برگرام این مدارس که این قانون هم قطعاً جزو برگرام مدارس خواهد بود نظارتهایی دارد یا نه؟ و بعبارة آخری این مدارس کاملاً و عملاً در تحت نظر وزارت معارف است یا خیر اعتنائی بوزارت معارف ندارند؟ و آیا آقای وزیر معارف بما اطمینان میدهند که ورزش در آن مدارس هم اجباری میشود و برگرامشان هم بتصویب شورای عالی معارف میرسد یا خیر؟ وزیر معارف - اولاً راجع به تبدیل کله (مجاز) به (مکلف) بنده مخالفتی ندارم و هر قدر این قانون قوی تر باشد بهتر است ولی تصدیق میفرمائید که این



لايحه دو شور دارد و فعلا شور اول است در ضمن هر پيشنهادهايکه آقا يان دارند مي توانند تقديم مقام محترم رياست بکنند و ارجاع به کميسيون بشود. اما راجع بمدارس اتباع خارجه که در ايران هستند عبارتي که در اينجا قيد شده است اين است که «در کليه مدارس جديده» و هيچ استثنائي نخواهد بود. و اين ترتيب در کليه مدارس جديده که در ايران تاسيس شده و ميشود خواه از طرف اتباع داخله و خواه از طرف اتباع خارجه باشد مجري خواهد بود و اين قانون بالسويه در باره همه مدارس مجري خواهد بود و همچنين نسبت بساير مواد پرگرام هم وزارت فوايد عامه نميتواند هيچ فرقي بين مدارس اتباع داخله با خارجه بگذارد.

بعضي از نمايندگان - صحيح است

رئيس - آقا ي بامداد

بامداد - موافقم

رئيس - آقا ي فرمند

فرمند - بنده هم موافقم

رئيس - آقا ي ارباب

ارباب کيخسرو - بنده هم موافقم

رئيس - آقا ي فيروز آبادي

فيروز آبادي - بنده ميخواهم يك سوالي از آقا ي وزير معارف بکنم. در اين جا مطلقا نوشته اند «مدارس جديده». و ديگر ذکور و اناث را معين نکرده اند آيا در مدارس اناث هم ورزش بايد باشد يانه ؟

رئيس - آقا ي بامداد

بامداد - از لوايحي که بنده هيچ انتظار نداشتم کسي مخالفت کند يکي همين لايحه است. و بنده اسم را جزو موافقين نوشتم در حالي که تصور نميکردم اصلا مخالفني باشد تا نوبت دفاع به بنده برسد...

بعضي از نمايندگان - مخالفت نشد. سوال شد

بامداد - همانطور که فرمودند الحمد لله مخالفت نشد

يکيم که مقصود اين است: ضعيفه قويه نشود. بالاخره ورزش کردن و تقويت اعصاب بدني نمودن محظور شرعي و عرفي ندارد و وزارت معارف بايد بدانند که تقويت نژاد و نسل آتيه مربوط باین است که مادر هاي قوي داشته باشند بنا بر اين بنده عقیده دارم توجه بيشتري در اين امر بشود.

رئيس - (خطاب با آقا ي دادگر) حالا مذاکرات کافي است رأي ميکيريم بکفایت مذاکرات آقا يان يکيه مذاکرات کافي ميدانند قيام فرمايند

(عده کثيري قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد. پيشنهاده آقا ي حاج شيخ بيات.

(بشرح ذيل خوانده شد)

تبصره ذيل را پيشنهاده ميکنم:

تبصره - وزارت معارف مکلف است مديران مدارس را مأمور کند که شاگردان مدارس را در موقع نماز و ادار نماز گذاردن بنمايند.

حاج شيخ بيات - يعقوب الموسوي

(همهمه بين نمايندگان)

باسائي - اگر پيشنهاده رد شود يعني ديگر نماز نخوانند ؟

رئيس - اين لايحه ورزش است. پيشنهاده آقا ي عدل.

(باين مضمون خوانده شد)

بنده پيشنهاده ميکنم (کلمه مجاز) مبدل به (کلمه مکلف) شود.

آقا سيد يعقوب - بنده جداً اخطار دارم! بنده تعجب مي کنم از آقا يان که چرا نمي گذارند در يك مطلبي که گفته شده توضيح داده شود و هو و جنجال ميکنند. آخر اين مملکت مملکت مسلمان است

رئيس - از روي کدام ماده اخطار داريد ؟

آقا سيد يعقوب - از روي هزار ماده. از روي قانون اساسي. از روي مواد نظامنامه

رئيس - يك ماده اش را بخوانيد.

آقا سيد يعقوب - ماده دوم قانون اساسي.

رئيس - ماده نظامنامه را بخوانيد.

آقا سيد يعقوب - بنده استرداد ميکنم.

وزير معارف - اجازه ميفرمائيد عرض کنم.

آقا سيد يعقوب - قانون اساسي بالا تر است يا نظامنامه ؟

رئيس - آقا مغلطه نکنيد. بگذاريد مطلب روشن شود.

وزير معارف - خود نان خوب ميدانيد مطابق نظامنامه

پيشنهاده هائي که در شور اول داده ميشود توضيح و استدلال ندارد. فقط قرائت ميشود و بکميسيون ارجاع ميشود پيشنهاده کنندنده بايد نامل کند که پيشنهادهش

برود بکميسيون مربوطه کميسيون يا مخالفت ميکند يا موافقت و در هر حال در شور دوم تکليفش معلوم خواهد شد

پس اين مورد اخطار ميشود باين جهت هم بود که ايشان اجازه ندادند حرف بزنيد

رئيس - پيشنهاده ها قرائت ميشود.

( پنج فقره پيشنهاده به مضمون آني قرائت شد )

۱ - بنده پيشنهاده ميکنم در ماده اول بجاي (مجاز است) نوشته شود (مکلف است) (جواد امامي خوئي)

۲ - بنده پيشنهاده ميکنم کلمه (جديده) از ماده اول حذف شود. (کازروني)

۳ - بنده ماده اول را بنحو ذيل اصلاح و پيشنهاده مي کنم.

ماده اول - وزارت معارف مکلف است که ورزش را در کليه مدارس جديده ذکور اعم از مدارس داخلي و مدارسي که اتباع خارجه تاسيس کرده اند اجباري نمايد.

۴ - اين بنده پيشنهاده ميکنم از ماده اول لفظ



(جدیده) حذف شود. فرشی  
 ۵ - بنده پیشنهاد میکنم کلمه (جدیده) مبدل شود  
 (بمدارس موجوده). عصر انقلاب

رئیس - ماده دوم قرائت میشود.

(به شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - بغير از ایام تعطیل همه روزه در مدارس  
 مزوره باید ورزش بعمل آید.

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود این قانون بقدری مختصر است  
 که آقای مخبر مجبور شده اند برای اینکه مفصل شود  
 بعضی مواد نظامنامه را در این جا نوشته اند. وقتی که ما  
 وزارت معارف را مکلف کنیم که در مدارس جدیده  
 ورزش را عمومی و اجباری بنماید دیگر لازم نیست که  
 ساعتش را هم معین کنیم یا بگوئیم غیر از ایام تعطیل  
 بدیهی است وقتیکه تعطیل شد دیگر بچه هارا برای  
 ورزش آنجا حاضر نخواهند کرد. و اینکه غیر از ایام  
 تعطیل همه روزه ورزش باید بعمل بیاید این بدیهی  
 است و لازم بذکر در این جا نیست وزارت معارف خواسته  
 ورزش را اجباری کند و غیر از ایام تعطیل همه روزه  
 ورزش خواهد بود. پس به عقیده بنده ماده دوم و  
 سوم لزومی ندارد که در قانون نوشته شود

وزیر معارف - بنده تصدیق میکنم که ماده دوم و  
 سوم بلکه ماده اول هم جزو مواد نظامنامه است  
 برای اینکه پس از آنکه شورای عالی معارف پروگرام مدارس  
 را تصویب کرد آن موادی که معین میشود اجباری و قانونی است  
 پس علت اینکه این لایحه بطور يك موضوع خاصی  
 بعرض مجلس رسیده و ماده دوم و سوم هم پیش بینی  
 شده چیست؟ علتش این است که در این مملکت نظامنامه  
 هائی که در وزارت خانهای مربوطه تدوین میشود  
 دائمی نیست و در تحت تاثیرات داخلی واقع میشود و  
 تغییر و تبدیلی پیدا میکند - بنابراین چون این موضوع

مهم و اساسی بوده است باین جهت در ضمن لایحه به  
 مجلس پیشنهاد و تقدیم کردیم که مصون از تعرضات باشد  
 و الا اگر بطور نظامنامه باشد هیچ عملی نخواهد بود و  
 بالاخره وضعیت امروز را پیدا خواهد کرد. در پروگرام  
 وزارت معارف که امروزه متداول است اگر ملاحظه  
 بفرمائید خواهید دید که ورزش را هم دارد. منتهی  
 بعضی مدارس هفته دو ساعت. بعضی دیگر هفته يك  
 ساعت. بعضی مدارس دیگر اصلاً ورزش ندارند. و  
 آنهایی هم که دارند غیر منظم است. تصدیق میفرمائید که در  
 هفته دو ساعت با سه ساعت ورزش بجای اینکه مفید باشد مضر  
 است. و ترتیب فعلی ورزش در مدارس این طور است که  
 بعضی مدارس در ساعت اول که مدرسه افتتاح میشود  
 ورزش دارند بعضی دیگر ساعت دوم بعضی دیگر ساعت  
 بعد که یکساعت بظهر مانده است. و بعضی از مدارس  
 دو ساعت از ظهر گذشته. و این يك ترتیب غیر منظم و  
 عجیب و غریبی است. بنا بر این بواسطه پیش بینی از  
 اینکه اگر بنا میشد مراتب در قانون ذکر نمیشد باز دچار  
 همین مشکلات و بی ترتیبی ها میشدیم این بود که در  
 این جا عرض شد. و بنده عقیده دارم خیلی از چیزها  
 که حقتش این است در نظامنامه قید شود بایستی تا  
 سالیان سال جزو قانون باشد برای این که از تعرضات  
 فکری اشخاص مصون باشد. و این که در این جا نوشته  
 شده (بغير از ایام تعطیل) برای این است که عبارت  
 مجملی نباشد و اگر فقط مینوشتیم که همه روزه در  
 مدارس ورزش باشد ممکن بود يك کسی پیدا شود و مثلاً بگوید  
 و همچو تعبیر کند که روز جمعه یا تعطیل عاشورا هم  
 باید شاگرد را برای ورزش جلب کنند. و اگر غیر از  
 این بود وضعیت فعلی را پیدا میکرد و آنوقت نقض غرض  
 و بر خلاف مقصود بود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

جمعی از نمایندگان - بلی

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

۱ - پیشنهاد می نمایم ماده دوم بترتیب ذیل تنظیم  
 شود. بغير از روزهای جمعه و سایر روزهای تعطیل  
 همه روزه در مدارس باید موافق نظامنامه که وزارت  
 معارف تهیه خواهد کرد ورزش بعمل آید. دیبا

۲ - بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل اضافه شود:

تبصره - ورزش باید متحد الشكل و از روی اصول  
 علم تدریس و از روی علم ورزش مدارس باشد

سهراب ساکینیان

۳ - بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم حذف شود. باسائی

۴ - پیشنهاد میکنم ماده دوم حذف شود.

احتشام زاده

رئیس - ماده سوم.

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده سوم - عدد ساعات و اوقات ورزش را وزارت  
 معارف معین خواهد کرد.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - موافقم.

رئیس - آقای عدل

عدل - فرمایشات آقای وزیر معارف در ماده دوم  
 بنده را قانع نکرد. همینطور در ماده سه. باید دانست  
 که اوقات ورزش را غیر از وزارت معارف کی باید معین  
 کند؟ مگر غیر از وزارت معارف دیگری هم هست که  
 این ساعات را تعیین کند. این بدیهی است. چه احتیاج  
 بذکر دارد. پس از آنکه ورزش اجباری شد  
 طبیعی است که وزارت معارف این کار را معین  
 خواهد کرد. و علاوه بر اینکه این لفظ  
 زائد است از فصاحت هم دور است و قانون را هم  
 کشدار میکند و ممکن است طور دیگر تعبیر کنند از  
 این جهت بنده پیشنهاد کردم حذف شود.

مخبر - این که فرمودند معلوم است که وزارت معارف  
 اوقات ساعات ورزش را معین خواهد کرد. معلوم  
 نیست. زیرا ممکن است که مدیران مدارس باختیار  
 خود شان هر شهری بيك طرزى و هر مدرسه بيك  
 طوری و هر ناظم و مدیر مدرسه بمیل خودش این کار  
 را معین کنند این که در این جا ذکر شده برای این است که  
 معلوم باشد از طرف وزارت معارف معین خواهد شد  
 نه از طرف دیگران.

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود.

(باین عبارت خوانده شد)

ماده ۴ - این قانون پس از تصویب نامدت یکسال  
 در مراکز ایالات و ولایات و بعد در سایر نقاط بموقع  
 اجرا گذارده خواهد شد.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده با این مدت کاملاً مخالفم زیرا تصور  
 میکنم چهار نفر معلم برای چهار مرکز ایالات و چندین  
 معلم هم برای جاهای دیگر وزارت معارف بتواند در ظرف  
 سه ماه معین کند. بعلاوه این که نوشته یکسال در  
 ولایات و بعد در سایر نقاط. معلوم نیست بعد از یکسال  
 چه قدر طول خواهد کشید و مقصود ما این است که  
 هر چه زودتر این قانون اجرا شود و نسل حاضر از  
 این کار استفاده کند.

مخبر - در این ماده چهار منتهای مدت را معین  
 کرده است ننوشته است بعد از یکسال. نوشته است تا یکسال  
 وزارت معارف مکلف است که این کار را نکند و البته  
 آقایان میدانند که ورزش يك وسائل و لوازمی لازم



دارد و يك دفعه نمیشود. يك وقت ورزش بطرز قدیم است كه آنها يك ترتیب و وسائل البته لازم دارد ولی يك وقت ورزش بطرز جدید است این يك اسباب های مخصوصی لازم دارد كه وزارت معارف باید بتدریج تهیه كند و يك مرتبه در تمام ایالات و ولایات نمیتواند این وسائل را فراهم كند ولی البته بدیهی است كه هر چه زودتر ممكن باشد باید این كار عملی و وسائل اجرای آن فراهم شود.

رئیس -- آقای عدل

عدل - عرض بنده تقریباً همان فرمایشات آقای روحی است و دفاع آقای مخبر تصور میکنم مطابق با سؤال نبود. ما عرض میکنیم شما اجرای این قانون را نسبت با ایالات و ولایات تا يكسال قائل شدید ولی نسبت بسایر نقاط اشاره نكرده اید و معلوم نیست ده سال است پانزده سال است. هیچ مدتی را پیش بینی نكرده اید و معلوم نیست چه وقت وزارت معارف میل خواهد كرد كه در نقاط مختلفه هم این قانون را اجرا كند! این است كه بنده پیشنهاد كردم در مراکز ایالات و ولایات تا يكسال و برای سایر نقاط هم اقلأ سه سال مدت معین كنند كه اقلأ در ظرف سه سال در آن نقاط هم عملی شده و در تمام مملكت تعمیم پیدا كنند:

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - موافقم.

رئیس -- آقای افسر

افسر - موافقم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات كافی است.

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

۱ - این بنده پیشنهاد میکنم كه بعد از ماده چهارم

حذف شود.

فرشی

كه بموجب قانون ممنوع از طبابت هستند و باید تكلیف این ها هم معلوم شود. ثالثاً - لایحه راجع به كلیات مسیو دولابوز معلم مدرسه حقوق است. و بطوری كه آقایان مستحضرنند در سابق برای مدت سه سال و نیم پیشنهاد کرده بودند ولی در کمیسیون معارف كه اخیراً این موضوع مطرح شد از هشتم آذر سال گذشته كه ابتدای كلیات او است تا آخر خرداد هذمه السنه کمیسیون

بیشتر مراقبت نكرده بنده هم بیشتر از این نمی توانم موافقت كنم. بنا بر این خوست تكلیف این كار هم معلوم شود زیرا كه اگر به بعد از خرداد بیفتد ممكن است يك اشكالاتی تولید كند. حالا از آقایان استدعا دارم در هر جلسه كه مقتضی میدانند این لوایح را جزو دستور قرار دهند. كه هر چه زودتر تكلیفش معین شود.

(مجلس يكساعت بعد از ظهر ختم شد)

(باین مضمون خوانده شد)

به عنوان ماده الحاقیه ماده ذیل را پیشنهاد می كنم:

ماده - در موقع امتحانات سالانه برای اخذ تصدیق نامه نمرات ورزش مانند سایر نمرات دروس مدخلیت دارد

رئیس - آقای روحی

روحی - چون عده كافی نیست اجازه بفرمائید جلسه ختم شود و در جلسه آتی ابتدای جلسه شور دوم اینقانون معین شود

رئیس -- شور دوم كه نمیشود. میخواستیم رأی بگیریم بشور دوم. پس میباید برای فردا. جلسه آتی فردا دستور: اخذ رأی بشور دوم این لایحه و بعد لایحه اضافات وزارت پست و تلگراف

وزیر معارف - بنده ضمیمه متشكر هستم از توجه خاصی كه مجلس مقدس نسبت بمعارف مملکتی داشته و دارد دوسه لایحه از طرف وزارت معارف تقدیم مجلس شده است كه خبرهایش هم از کمیسیونهای مربوطه تقدیم مجلس شده یکی از آنها راجع به تشكيل شورای عالی معارف است در ایالات و ولایات و به عقیده بنده یکی از لوایح مهم است و باید هر محلی حق داد كه در امور معارفی خودش دخالت كند تا با لایحه ایست مربوط به تعیین تكلیف طبائی